



Namatek
True Education

www.namatek.com

Risk – Based Thinking

تفکر مبتنی بر ریسک

فهرست مطالب

۱. تعریف ریسک
۲. تفکر مبتنی بر ریسک چیست؟
۳. پیاده‌سازی تفکر مبتنی بر ریسک
۴. مزایای اجرای تفکر مبتنی بر ریسک
۵. اهداف تفکر مبتنی بر ریسک
۶. تفکر مبتنی بر ریسک در مقایسه با مدیریت ریسک

تفکر مبتنی بر ریسک یک مفهوم کلیدی در استاندارد ISO 9001:2015 برای سیستم های مدیریت کیفیت است. سازمان ها می توانند به طور موثر ریسک های بالقوه را کاهش دهند و با استفاده از این رویکرد در سیستم های مدیریت کیفیت خود به اهداف کیفیت دست یابند. با شناسایی فعالانه و پرداختن به ریسک های احتمالی، سازمان ها می توانند از بروز مشکلات جلوگیری کنند، فرآیندها و رویه های خود را به طور مستمر بهبود بخشند، با الزامات نظارتی مطابقت داشته باشند و عملکرد کلی کسب و کار را بهبود بخشند. هنگامی که معنای ISO در مورد تفکر مبتنی بر ریسک را تجزیه و تحلیل می کنیم، مشخص می شود که این تفکر منحصرأ به مدیریت ریسک اشاره نمی کند و می توان آن را با استفاده از ابزارهای مختلف مدیریت ریسک خودکار در این فرآیندها گنجانند. اما قبل از اینکه به دنبال ابزار مدیریت ریسک بگردید، درک تفکر مبتنی بر ریسک ضروری است. در این مقاله در مورد آن بحث خواهیم کرد تا اطمینان حاصل شود که شما از این مفهوم کاملاً آگاه هستید.

تعریف ریسک



اصطلاح ریسک را می توان به عنوان وضعیتی که شامل قرار گرفتن در معرض خطر است، توصیف کرد و تعریف خطر امکان قرار دادن کسی یا چیزی با

ارزش در معرض آسیب یا ضرر است. این تعریف به نتیجه عدم قطعیت در موقعیت‌هایی اشاره دارد که می‌توان از طریق اقدام پیشگیرانه از آن اجتناب کرد. ریسک را می‌توان به‌عنوان عواملی تعریف کرد که شرکت‌ها کنترل کمی بر آن‌ها دارند یا اصلاً کنترلی ندارند. همیشه وجود ریسک در اداره یک کسب و کار، خالی از فرصت نیست. اگرچه خطرات اغلب تنها به‌عنوان مشکل در نظر گرفته می‌شوند؛ اما می‌توانند فرصت‌ها و امکانات قابل توجهی را نیز ارائه دهند. برخی از این احتمالات شامل نوآوری سازمانی و افزایش فرصت‌های رقابتی هستند که می‌توانند منجر به سودآوری کوتاه‌مدت و بلندمدت گردند. اگر اقدامات قابل توجهی انجام گیرد تا این اطمینان حاصل شود که خطری، تداوم سازمان را تهدید نمی‌کند، کسب و کار می‌تواند در بلندمدت پیشرفت کند. برای انجام موفقیت‌آمیز این کار، کسب و کارها باید مطمئن شوند که در مورد عملیات در سطح پایه فکر می‌کنند، که این پایه و اساس تفکر مبتنی بر ریسک است.

تفکر مبتنی بر ریسک چیست؟

بر اساس نسخه ISO 9001:2015، تفکر مبتنی بر ریسک کاربرد سیستماتیک اطلاعات، دانش و اقدامات برای رسیدگی به عدم قطعیت و فرصت‌های بالقوه است. به عبارت دیگر، تفکر مبتنی بر ریسک، یک رویکرد فعالانه به مشکلات یا فرصت‌ها است. این فرآیند فکری باید در سرتاسر سازمان اعمال شود تا تصمیمات صحیح اتخاذ شوند. با استفاده از این تفکر، می‌توانید از مشکلات احتمالی اجتناب کنید یا از فرصت‌هایی که خود را نشان می‌دهند، استفاده کنید.

تفکر مبتنی بر ریسک، سیستم‌های فعال را به جای سیستم‌های واکنشی تشویق می‌کند و به شرکت فرصتی می‌دهد تا قبل از وارد شدن آسیب، عدم اطمینان را شناسایی و برای آن برنامه‌ریزی کند. گنجاندن ریسک در فرآیندهای تصمیم‌گیری و کیفیت، برای هر سازمانی ضروری است و بنابراین الزامات باید انعطاف‌پذیر باقی بمانند. این نکته را باید در نظر گرفت که هیچ فرآیند رسمی مدیریت ریسک وجود ندارد که ISO به منظور پیاده‌سازی تفکر مبتنی بر ریسک آن را الزامی کند.

پیاده‌سازی تفکر مبتنی بر ریسک



تفکر مبتنی بر ریسک، سازمان را قادر می‌سازد تا عواملی را که می‌تواند باعث انحراف فرآیندها و سیستم مدیریت کیفیت آن از نتایج برنامه‌ریزی شده شود، تعیین کند و کنترل‌های پیشگیرانه را برای به حداقل رساندن اثرات منفی و حداکثر استفاده از فرصت‌ها در صورت بروز آن‌ها اعمال کند. چهار مولفه اصلی برای این تفکر وجود دارد:

۱. **شناسایی:** مرحله اولیه شامل شناسایی ریسک‌ها و فرصت‌های بالقوه است.

۲. **تجزیه و تحلیل:** پس از شناسایی، تجزیه و تحلیل کامل ریسک‌ها و فرصت‌ها برای درک پیامدهای آن‌ها انجام می‌شود.

۳. **ارزیابی:** پس از تجزیه و تحلیل، ارزیابی جامعی از ریسک‌ها و فرصت‌های شناسایی شده برای ارزیابی تاثیر بالقوه آنها انجام می‌گردد.

۴. **کاهش:** براساس ارزیابی، راهبردهای مناسبی برای کاهش و مدیریت موثر ریسک‌ها و فرصت‌ها ایجاد می‌شود.

شناسایی ریسک‌ها و فرصت‌ها

اولین قدم در تفکر مبتنی بر ریسک، شناسایی ریسک‌ها و فرصت‌ها است. این کار را می‌توان از طریق روش‌های مختلفی مانند جلسات طوفان فکری، تجزیه و تحلیل SWOT یا نقشه‌برداری فرآیند انجام داد. هنگامی که ریسک‌ها و فرصت‌ها را شناسایی کردید، مستندسازی آن‌ها بسیار مهم است. این به شما کمک می‌کند تا ریسک‌ها را ردیابی کنید و مطمئن شوید که همه افراد سازمان آن‌ها را می‌شناسند.

تجزیه و تحلیل ریسک‌ها و فرصت‌ها

مرحله بعدی تجزیه و تحلیل ریسک‌ها و فرصت‌ها است. این کار به شما کمک می‌کند تا تأثیر بالقوه هر ریسک یا فرصت را درک کنید. برای این کار باید موارد زیر را در نظر بگیرید:

- در صورت تحقق ریسک چه اتفاقی می‌افتد؟
- احتمال تحقق ریسک چقدر است؟
- اگر از فرصت استفاده نشود، چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟
- عواقب تحقق ریسک چیست؟

ارزیابی ریسک‌ها و فرصت‌ها

زمانی که ریسک‌ها و فرصت‌ها را تجزیه و تحلیل کردید، نوبت به ارزیابی آن‌ها می‌رسد. این کار به شما کمک می‌کند تا مشخص کنید چه چیزی را باید اولویت بندی کنید و تصمیم بگیرید که کدام یک باید ابتدا مورد توجه قرار گیرد. برای این کار موارد زیر باید لحاظ گردد:

- تاثیر احتمالی ریسک یا فرصت
- احتمال تحقق ریسک یا فرصت
- عواقب خطر یا فرصت در حال تحقق
- هزینه‌های پرداختن به ریسک یا فرصت

کاهش ریسک

گام نهایی در این تفکر، کاهش ریسک است. این امر مستلزم اجرای کنترل‌هایی برای کاهش خطرات استفاده از فرصت‌ها خواهد بود. معمولاً کنترلی که اجرا می‌کنید به ریسک یا فرصتی که در نظر گرفته می‌شود، بستگی دارد. به عنوان مثال، اگر به یک ریسک رسیدگی می‌کنید، ممکن است کنترل‌هایی را برای کاهش احتمال آن یا کاهش تأثیر آن در صورت تحقق آن اعمال کنید. اگر از فرصتی استفاده می‌کنید، ممکن است لازم باشد فرآیندهایی را برای تحقق این فرصت در نظر بگیرید.

مزایای اجرای تفکر مبتنی بر ریسک



گنجاندن تفکر مبتنی بر ریسک در سیستم مدیریت کیفیت سازمان می‌تواند مزایای متعددی داشته باشد. به‌عنوان مثال، می‌تواند به جلوگیری از بروز مشکلات در وهله اول کمک کند، نه اینکه صرفاً به مسائلی که به‌وجود می‌آیند واکنش نشان دهند؛ بلکه سازمان‌ها با شناسایی فعالانه و پرداختن به ریسک‌های بالقوه، می‌توانند از تبدیل شدن مسائل به مشکلات جدی که بر توانایی سازمان برای دستیابی به اهداف کیفی تأثیر منفی می‌گذارد، جلوگیری کنند. یکی دیگر از مزایای تفکر مبتنی بر ریسک این است که می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا به‌طور مداوم فرآیندها و سیستم‌های خود را بهبود بخشند. همچنین با بازنگری و به‌روزرسانی منظم ارزیابی‌های ریسک و اثربخشی کنترل‌هایی که برای کاهش خطرات اعمال می‌شوند، سازمان‌ها می‌توانند مناطقی که امکان بهبود در آن‌ها وجود دارند را شناسایی کنند.

این کار می‌تواند باعث ایجاد فرآیندهای کارآمدتر، محصولات و خدمات با کیفیت بهتر و افزایش رضایت مشتری شود. همچنین پیاده‌سازی تفکر مبتنی بر ریسک می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا با الزامات نظارتی مطابقت داشته باشند. سازمان‌ها با شناسایی فعالانه و پرداختن به خطرات

احتمالی، می‌توانند این اطمینان را داشته باشند که تمام مقررات و استانداردهای مربوطه را رعایت می‌کنند که در نتیجه از جریمه‌های پرهزینه و مسائل و مشکلات قانونی محفوظ بمانند. در نهایت، ترکیب تفکر مبتنی بر ریسک در سیستم مدیریت کیفیت سازمان می‌تواند به بهبود عملکرد کلی کسب و کار کمک کند و سازمان‌ها با شناسایی و پرداختن به ریسک‌های بالقوه، می‌توانند احتمال بروز مسائل را کاهش دهند که منجر به صرفه‌جویی در هزینه و افزایش کارایی می‌گردد. این فرآیند در نهایت می‌تواند عملکرد مالی سازمان را بهبود دهد.

اهداف تفکر مبتنی بر ریسک



سازمان‌ها باید سطح کلی ریسک را در فرآیندها و فعالیت‌های خود درک کنند. این کار به مدیران کمک می‌کند تا تصمیم بگیرند که چگونه اثرات موقعیت‌های نامطلوب را به حداقل برسانند و از مزایای هر فرصتی نهایت استفاده را ببرند.

تسلط بر تفکر مبتنی بر ریسک به هر سازمانی این امکان را می‌دهد که وضعیت فعلی خود را به طور کامل درک کند، ریسک‌ها و فرصت‌ها را شناسایی کند و به طور موثر آن‌ها را مدیریت کند. هنگامی که یک رویکرد

تفکر مبتنی بر ریسک در سراسر یک سازمان در نظر گرفته می‌شود، احتمال دستیابی به اهداف تعریف شده افزایش می‌یابد و نتایج به احتمال زیاد سازگار و طولانی مدت خواهند بود. همچنین با این رویکرد، مشتریان می‌توانند مطمئن باشند که محصول یا خدمات مورد انتظار را در زمان مناسب و در مکان مناسب دریافت خواهند کرد.

تفکر مبتنی بر ریسک در مقایسه با مدیریت ریسک



بسیاری از کارشناسان، تفکر مبتنی بر ریسک را به عنوان نسخه‌ای از مدیریت ریسک تعریف می‌کنند. اگرچه هر دو مفهوم مشابه هستند؛ اما برخی از تفاوت‌های کلیدی آن‌ها را از هم جدا می‌کند. بخش‌های بعدی این تفاوت‌ها را مورد بحث قرار خواهند داد تا درک بهتری از این مفاهیم ارائه شود. مدیریت ریسک و تفکر مبتنی بر ریسک دو مفهوم اساسی هستند که باید در زمانی که یک سازمان در تلاش برای موفقیت و رسیدن به اهداف است، به کار گرفته شوند.

مدیریت ریسک سازمانی، بر خلاف مدیریت ریسک سنتی، نمونه کاملی از این دو ایده است که با هم کار می‌کنند تا عملیات تولیدی را در یک شرکت

ایجاد و حفظ کنند. بسیاری از سازمان‌ها برای درک تفکر مبتنی بر ریسک و چگونگی ارتباط و تفاوت آن با فعالیت مدیریت ریسک تلاش می‌کنند. پس بیایید بررسی کنیم که تفاوت‌ها چیست و چگونه با هم کار می‌کنند؟

تفاوت‌ها

مدیریت ریسک، فرآیند یا مجموعه‌ای از اقدامات است که توسط یک شرکت برای شناسایی، ارزیابی، اولویت‌بندی و مقابله با ریسک‌ها نسبت به سازمان انجام می‌شوند. فرآیندهای مدیریت ریسک، منابع تعیین‌شده را برای برخورد با ریسک‌ها بر اساس تهدید یا فرصت استفاده می‌کنند. رویه‌های مدیریت ریسک باید زمینه را ایجاد کنند و پیشرفت را نظارت کنند و به‌طور مستمر خطرات را بین بخش‌ها مخابره نمایند. مدیریت ریسک یک ابزار تجاری است که تأثیر قابل توجهی بر توانایی‌های عملیاتی یک سازمان می‌گذارد. در مقایسه، تفکر مبتنی بر ریسک مفهومی است که شرکت‌ها باید به‌طور فعال و جامع در مدیریت ریسک و تبدیل آن به بخشی از هر سیستم مدیریت کیفیت مشارکت کنند.

هنگامی که یک شرکت تفکر مبتنی بر ریسک را اتخاذ می‌کند، عدم اطمینان را به‌گونه‌ای چارچوب بندی می‌کند که توسط اهداف هدایت شوند. تفکر مبتنی بر ریسک به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا ریسک را در تصمیم‌گیری بگنجانند. به‌طور خلاصه، مدیریت ریسک از فرآیندهای رسمی برای تجزیه و تحلیل و درمان ریسک تشکیل شده است. در حالی که هدف تفکر مبتنی بر ریسک، گنجاندن اقدامات پیشگیرانه در هر تصمیم سازمان و همچنین قرار دادن بررسی ریسک در خط مقدم هر فرآیندی است که ایجاد می‌شود.

چگونه آن‌ها با هم کار می‌کنند؟

مدیریت ریسک سازمانی یا ERM رویکردی است که در هنگام رسیدگی به عدم قطعیت، یک دیدگاه جامع را در اولویت قرار می‌دهد، ریسک‌های مهم را ارزیابی می‌کند و پاسخ‌های مناسبی را به ریسک‌های مذکور ارائه می‌دهد. ماهیت ERM آن را به نمونه کاملی از مدیریت ریسک و تفکر مبتنی بر ریسک تبدیل می‌کند که با هماهنگی کار می‌کند تا سیستمی را ایجاد کند که اثربخشی عملیات را افزایش دهد، پاسخ‌های ریسک کارآمد را ارائه دهد و منجر به دستیابی به اهداف شود. مدیریت ریسک سازمانی از ایده‌های یکپارچه تفکر مبتنی بر ریسک و فرآیندهای سیستمی مدیریت ریسک استفاده می‌کند تا روشی انعطاف پذیر و در عین حال قوی برای مدیریت ریسک‌های بالقوه ایجاد کند. قبل از بررسی عمیق در معنای تفکر مبتنی بر ریسک و چگونگی ارتباط آن با مدیریت ریسک، تشخیص این دو از یکدیگر می‌تواند چالش برانگیز باشد. با این حال، هنگامی که تمایزات به وضوح مشخص شد، سازمان‌ها می‌توانند با اجرای مدیریت ریسک و تفکر مبتنی بر ریسک شروع به بهره‌گیری از مزایای آن‌ها کنند. عملیات پایدار، سازنده و باکیفیت، جزو اهداف هر شرکتی است. به منظور دستیابی به این امر، سازمان‌ها باید در هنگام مدیریت ریسک و ایجاد فرآیندهای مدیریت کیفیت، رویکرد تفکر مبتنی بر ریسک را اتخاذ کنند و تفکر مبتنی بر ریسک و مدیریت ریسک در موفقیت این کار دست به دست هم می‌دهند.

نتیجه

در محیط پویا مدیریت تجاری و عملیاتی، اتخاذ یک استراتژی تفکر مبتنی بر ریسک دیگر اختیاری نیست، بلکه یک ضرورت برای رشد و انعطاف پذیری پایدار است. این رویکرد نه تنها سازمان‌ها را برای پیش‌بینی و کاهش ریسک‌های نامطلوب توانمند می‌سازد، بلکه اکتشاف فرصت‌هایی که با عدم قطعیت همراه هستند را تشویق می‌کند. با پرورش فرهنگ بهبود مستمر و مدیریت ریسک فعال، کسب و کارها می‌توانند از دارایی‌ها و شهرت خود محافظت کنند و خود را به‌عنوان رهبران نوآوری و برنامه‌ریزی استراتژیک قرار دهند. همانطور که در دنیای غیرقابل پیش‌بینی فزاینده‌ای به جلو می‌رویم، اصول تفکر مبتنی بر ریسک، چارچوبی حیاتی برای پیمایش پیچیدگی‌های چالش‌های امروزی فراهم می‌کند و سازمان‌ها را به سمت تعالی و موفقیت بلندمدت سوق می‌دهد.